

چاپ دوم «نه‌زیستن، نه‌مرگ»
با افزوده‌ها و بازنگری
منتشر شد!



نام کتاب: نه‌زیستن، نه‌مرگ (چهار جلد: غروب سپیده، اندوه ققنوس‌ها، تمشک‌های ناآرام، تا طلوع انگور)

چاپ دوم، ۲۰۰۶، سوئد

نویسنده: ایرج مصداقی

موضوع: خاطرات زندان، نقد و بررسی

ناشر: آلفابت‌ماکزیم، سوئد

برای تهیه‌ی این کتاب می‌توانید با ایمیل‌آدرس: irajmesdaghi@yahoo.com تماس بگیرید.

چاپ دوم کتاب «نه‌زیستن نه‌مرگ»، خاطرات زندان ایرج مصداقی، در چهار جلد، با افزوده‌ها و بازنگری، از سوی انتشارات آلفابت‌ماکزیم، در دسامبر ۲۰۰۶، در سوئد، منتشر شد.

چاپ نخست «نه‌زیستن نه‌مرگ» در همان سال نخست انتشار (۲۰۰۴) نایاب شد. چنین استقبالی، با توجه به مشکلات پخش کتاب در خارج از کشور و نیز با توجه به حجم این کتاب (در چهار جلد و نزدیک به ۱۶۰۰ صفحه)، موفقیتی است که کمتر برای یک نویسنده‌ی تبعیدی ایرانی به‌دست می‌آید. گذشته از گزارش‌های دست‌اول و تکان‌دهنده در پیوند با افشای جنایت‌های رژیم جمهوری اسلامی و روزشمار قتل‌عام تابستان ۶۷ که نویسنده خود به‌عنوان یک زندانی منتظر اعدام شاهد عینی آن در راهروی مرگ بوده است؛ گذشته از روایت‌های غرورآفرینی که پایداری و فداکاری افتخارآمیز خیل مبارزان راه آزادی را زنده و گرمی می‌دارد، باید گفت که صداقت و راست‌گویی، شهامت در بازگویی ضعف‌ها، روی‌کرد واقع‌گرایانه به رخ‌دادها و وفاداری به واقعیت، نقد فرهنگ بزرگ‌نمایی و ... از جمله رمزهای این موفقیت است.

برای ارایه‌ی گزارشی واقعی و دقیق از رخ‌دادهای سیاسی-اجتماعی و نیز قضاوت و برخوردی عادلانه و منصفانه داشتن نسبت به کسان و گروه‌ها، به‌ویژه آنانی که دیگر در میان‌مان نیستند، نویسنده راهی جز به برگزشتن و فراتر رفتن از چارچوب‌های ایدئولوژیکی و وابسته‌گی‌های سازمانی و گروهی ندارد. جای-جای کتاب «نه‌زیستن، نه‌مرگ» به روشنی از این تلاش می‌گوید و این‌که ایرج مصداقی پی‌گیرانه در راستای چیره شدن بر مانع‌ها و دشواری‌هایی

که راه بر واقع‌بینی و دریافت و درک تصویری واقعی از خود و دیگران و جامعه، و در پیوند با آن، بهره‌مند شدن از دید و قضاوتی درست و عادلانه می‌بندند، کوشیده است.

افزوده‌ها و بازنگری در چاپ دوم «نه‌زیستن، نه‌مرگ»، این کتاب را مستندتر و پربرتر کرده است. «جدا از تصحیح موارد نادرست و برطرف کردن اشتباهات تایپی و ویرایشی در حد امکان، فهرست پاره‌ای از تغییرات و افزوده‌ها در چاپ دوم به قرار زیر است:

- گنجاندن بخش‌های "واحد مسکونی" در جلد دوم کتاب، نگاهی اجمالی به سیستم اطلاعاتی رژیم از سال ۵۸ تا کنون، بررسی کوتاه تاریخچه‌ی گروه‌های سیاسی فعال در کشور، نقشه زندان‌های اوین، گوهردشت و قزل‌حصار در جلد چهارم کتاب؛

- اسناد جدید در پیوند با پاره‌ای موضوعات؛

- زیرنویس‌ها و ارایه توضیح بیشتر و مفصل‌تر پیرامون پاره‌ای مطالب برای درک بهتر وقایع و رخدادها؛

- نقد و بررسی مواردی از چند کتاب انتشار یافته در پیوند با خاطرات زندان؛

- تکمیل بخش ریشه‌یابی قتل‌عام ۶۷ در جلد چهارم کتاب. «پیشگفتار چاپ دوم»

در بخش «واحد مسکونی» که در چاپ دوم به کتاب افزوده شده و بسیار گسترده است (بیش از ۶۰ صفحه)، آمده است:

«یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند از تکرار فجایعی که توسط رژیم جمهوری اسلامی بر میهن ما گذشته و می‌گذرد جلوگیری کند، افشاگری مداوم در مورد جنایات آن و تجزیه و تحلیل واقع‌گرایانه‌ی آنچه که به وقوع پیوسته، می‌باشد. افشای جنایات رژیم، مستلزم یک تلاش پیگیر و همه‌جانبه از سوی کسانی است که از دور و نزدیک شاهد این همه وحشی‌گری بوده‌اند.

برپایی بخش واحد مسکونی یکی از غیرانسانی‌ترین و بیمارگونه‌ترین ایده‌ها برای شکستن روحیه و به تسلیم در آوردن زنان زندانی بود که در سال‌های نخست دهه‌ی ۶۰ در زندان قزل‌حصار اجرا شد. در مقدمه‌ی چاپ اول کتاب، قرار بر این گذاشته بودم که بیشتر از چیزی که خود شاهد آن بوده‌ام، بنویسم. اما از آنجایی که در ارتباط با واحد مسکونی و جنایات اتفاق افتاده در آن، تحقیق و گزارش مستندی در دسترس نبوده و اطلاعات ما در این مورد اندک و آمیخته به اخبار نادقیق و گاه بر اساس شایعه و دروغ بوده، و نیز از آنجایی که نسبت به کسانی که این فاجعه را پشت سر گذاشته‌اند قضاوت‌های ناعادلانه‌ای صورت گرفته و حتا از سوی دوستان و در بیرون از زندان هم مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند، بر آن شدم با کسانی که این تجربه‌ی ناگوار را پشت سر گذاشته‌اند تماس گرفته و تا حد توان و امکان، بخشی از اسناد و حقایق این فاجعه را گردآوری کرده و در چاپ حاضر بگنجانم. یادآوری جنایات و شکنجه‌های وحشتناک جسمی و روحی اعمال شده در واحد مسکونی، چنان دردآور و جانکاه بوده که متأسفانه تا کنون هیچ‌یک از زندانیانی که تجربه‌ی آن را سر گذرانده‌اند حاضر به انتشار خاطرات خود پیرامون این دخمه مرگ نشده‌اند.

گزارشی که در پی خواهد آمد، به مدد گفتگو و با برداشت از مشاهدات و توصیفات ۴ نفر از زندانیان زن که به جرم هواداری از سازمان مجاهدین دستگیر شده و در "واحد مسکونی" شکنجه‌های هولناکی را از سر گذرانده‌اند، تهیه شده است. از این عده هیچ‌کدام پس از آزادی از زندان به فعالیت سیاسی ادامه ندادند. اما همچنان شهر به شهر و کوی به کوی از "دیو و دد ملولند" و انسانشان آرزوست.

باید اذعان نمود که مسئولیت کم و کاستی‌های احتمالی این گزارش بر عهده‌ی نگارنده است. بدون تردید هر یک از روایت‌گران این پدیده عجیب و هولناک که بیش‌تر به یک فاجعه‌ی انسانی بی‌منتها شبیه است تا یک واقعه‌ی تاریخی، تفسیر خاص خود را دارند و از دریچه‌ای متفاوت به ارزیابی آن می‌پردازند. تلاش نگارنده اما ترسیم یک تصویر واقعی از این فاجعه است. بایستی توجه داشت که در این گزارش، نظرات و برداشت‌های توأبیین و کسانی که در سطوح مختلف در واحد مسکونی به همکاری با بازجویان پرداخته بودند و همچنین کسانی که تحت عنوان مسئولان تشکیلات به زیر فشار برده شده بودند، نیامده است. بدون شنیدن داستان آنها و نگرستن از زاویه‌ی دیدی که آنها دارند، این تحقیق کامل نخواهد بود. باشد که آنها نیز با خواندن این روایت‌ها و گزارش‌ها زبان به سخن بگشایند و از آن چه که به وقوع پیوسته پرده بردارند. امیدوارم از این طریق توانسته باشم وظیفه و دین خود را نسبت به زنانی که رنج‌های طاقت‌فرسای واحد مسکونی را تحمل کردند، ادا کنم. باشد که این تلاش، آغازی شود برای تحقیق

بیشتر و جامع‌تر پیرامون پدیده‌ی واحد مسکونی. «
فهرست مطالب بخش واحد مسکونی: واحد مسکونی، زمینه و اهداف تشکیل آن؛ تعداد و میانگین سنی ساکنان و گردانندگان واحد مسکونی؛ مراحل مختلف بازجویی و انواع و اقسام شکنجه‌های روانی روی زندانیان؛ نقش توایان و مسئولان سابق تشکیلات؛ بدترین تأثیرات روانی و برخورد با زندانیان؛ بررسی دلایل برجیدن واحد مسکونی، جدول مشخصات زندانیان واحد مسکونی، نقشه تقریبی واحد مسکونی در زندان قزل‌حصار کرج و...

در بخش نقشه‌های زندان (نقشه قسمت‌های مختلف زندان‌های اوین، گوهردشت و قزل‌حصار) که در چاپ دوم به کتاب افزوده شده (بیش از ۵۰ صفحه)، آمده است:

«... در کنار روایت فاجعه‌ای که نسل انقلاب در زندان‌های جمهوری اسلامی از سر گذراند، وظیفه‌ی ما است که در راه سندیت بخشیدن هرچه بیشتر به گفته‌ها و شهادت‌هایمان حرکت کرده و آن را به وظیفه‌ای ملی بدل کنیم.

اختصاص بخشی از کتاب نه زیستن نه مرگ به درج نقشه‌ی زندان‌ها، جدا از آن که خواننده را از یک فضای ذهنی در مورد زندان به یک فضای واقعی و عینی می‌آورد و به فهم و برداشت او از خاطرات زندان و درک موقعیت‌ها کمک می‌کند، تلاشی است برای بازسازی و کمک به انتشار اسناد حقوقی؛ اسنادی که به مدد آن بتوان برای طرح دعاوی در مراجع بین‌المللی، با هدف تحت تعقیب قرار دادن ناقضان حقوق بشر و کسانی که مرتکب جنایت علیه بشریت در کشورمان شده‌اند، قدم برداشت. اگر روزی روایت ما بخواهد جنبه‌ی حقوقی به خود گرفته و مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد، پیش از هر چیز بایستی از جامعیت و سندیت کافی برخوردار باشد تا بتوان از آن در مقابل متخصصان و گزارشگران بین‌المللی دفاع کرد و امکان سوءاستفاده رژیم از گزارش‌های نادرست و غیرواقعی را به حداقل رساند.

۲

حسن نقشه در این است که خواننده با اندکی تأمل در آن، با محل زندگی زندانیان آشنا می‌شود.

همچنین بایستی این واقعیت را در نظر داشت که مقامات جمهوری اسلامی در تلاش هستند تا آثار جنایاتشان را از بین ببرند. چه بسا در آینده‌ای نزدیک به بهانه‌های گوناگون، زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها را از بین برده و یا دچار تغییر و تحولات اساسی کنند. چنان‌که در رابطه با اوین، نماد جنایات رژیم چنین برنامه‌ای را دنبال می‌کنند. وجود این نقشه‌ها می‌تواند به لحاظ تاریخی مفید باشد و لاقول تصویری از گذشته‌ی این بناها به دست دهد.

امروز ما به جای زندان قزل‌قلعه که یکی از شکنجه‌گاه‌های رژیم شاه بوده، میدان میوه و تره‌بار داریم و بند سیاسی زندان قصر که از دیرباز برای محبوس کردن زندانیان سیاسی مورد استفاده قرار می‌گرفت، کاربری دیگری یافته و یا "ساختمان کمیته مشترک ضدخرابکاری" برای تحریف تاریخ به موزه‌ای برای نشان دادن جنایات رژیم پهلوی در زندان‌ها اختصاص یافته است!

نقشه‌ی زندان‌ها حتا به ارائه روایت و آمار واقعی‌تری از تعداد زندانیان و جنایت‌های انجام گرفته در زندان نیز کمک می‌کند. مثلاً وقتی گفته می‌شود در دوران قتل‌عام در زندان اوین 10 هزار مرد اعدام شده‌اند، گوینده بایستی پاسخ دهد طبق نقشه‌ی زندان این افراد پیش‌تر در کجا و در کدام بندها زندانی بوده‌اند. چرا که بر اساس شهادت‌های انتشار یافته و تطبیق محل‌های نامبرده شده در شهادت‌ها به هیچ‌وجه چنین تعداد زندانی در دسترس مقامات زندان نبوده است.

و یا وقتی سازمانی سیاسی در زمستان 68، پس از کشتار تابستان 67 و آزادی اکثریت قریب به اتفاق زندانیان مارکسیست مرد و باقی ماندن تعدادی اندک از زندانیان زن مارکسیست، در اطلاعیه رسمی اعلام می‌کند که 11 هزار نفر از زندانیان اوین به زندان‌های کرج منتقل و یا در واگن‌های قطار "چپانده" شده‌اند، بایستی محلی را که پیش از آن زندانیان در آن حبس بودند، مطابق نقشه‌ی اوین مشخص سازد.

و یا اعلام دارند نقشه‌ی ارائه شده کامل نیست و یا اساساً متعلق به زندان اوین و یا گوهردشت نیست. یا وقتی شاهدهی خبر از انفجار زندانیان در تونل‌های زیر تپه‌های اوین داده و از تأثیرات انفجار روی ساختمان‌های زندان روایت می‌کند! این شهادت می‌بایستی با عقل و واقعیت سازگار باشد وگرنه به ضد خود تبدیل می‌شود.

وقتی محقق‌ی که در دانشگاه‌های معتبر آمریکا تدریس می‌کند ظرفیت زندان گوهردشت را 8 هزار نفر گفته و خبر از زندانی بودن 16 هزار زندانی در آن می‌دهد، قبل از هر چیز با مراجعه به نقشه‌ی زندان می‌بایستی توضیح دهد به چه شکل و چگونه چنین چیزی امکان دارد.

وقتی خبر از اعدام زندانیان در استخر اوین داده می‌شود، گوینده بایستی پاسخ دهد چگونه می‌توان در مقابل پنجره‌ی سلول‌های آسایشگاه و آموزشگاه چنین کاری کرده و از نظر زندانیان دور بماند اما در خارج از کشور افراد از آن مطلع شوند.

۳

در ارتباط با نقشه‌های مندرج در این کتاب گفتنی است که:

- این نقشه‌ها برداشت من از زندان و محل‌هایی است که در آن بوده‌ام و با نقشه‌های ماهواره‌ای زندان‌ها نیز مطابقت داده شده است.

- تنها به نقشه‌ی محل‌هایی که در ارتباط مستقیم با زندانیان بوده، بسنده شده است.

- این نقشه‌ها مربوط به زندان‌های اوین، گوهردشت و قزل‌حصار بین سال‌های 60 تا 70 بوده و ممکن است در سال‌های بعد تغییراتی در شکل داخلی و یا خارجی ساختمان‌ها و بندها داده شده باشد. تلاش شده است تا در حد توان و امکان، در طرح کلی، نقشه‌ها دقیق و درست ارائه شوند. البته از آنجایی که این نقشه‌ها به یاری حافظه کشیده شده‌اند، شاید در بعضی قسمت‌ها، آن‌هم در جزئیات، خالی از اشتباه نباشند.

- در ارتباط با زندان اوین در طراحی دو قسمت اوین قدیم و قسمت مقابل 209 از اطلاعات دو نفر از دوستانم کمک گرفته‌ام. به خاطر پرهیز از اشتباهات احتمالی در مورد شماره‌ی اتاق‌های سالن 5 و 6 و بخش آموزشگاه نظر 3 نفر از دوستانم را جویا شده‌ام.

- در نقشه‌ی زندان اوین، اتاق اعدام که در بالای سالن ملاقات و قسمت آپارتمان‌ها را که در کنار در ورودی زندان قرار داشت به دلیل آن‌که خود از نزدیک ندیده‌ام، و تصویری از آن‌ها را در ذهن ندارم، نکشیده‌ام. آپارتمان‌ها پس از دستگیری‌های گسترده تابستان ۶۰ تا آذرماه همان‌سال محل نگهداری زندانیان زن بود و سپس به گروه ضربت اوین اختصاص داده شد. قسمت‌های فوق که در جنوب اوین قرار دارند در طرح بزرگراه "پادگار امام" قرار گرفته و از بین رفته‌اند.

- طراحی اولیه نقشه‌ی واحد مسکونی قزل‌حصار توسط زنانی که خود در این قسمت زندانی بوده‌اند، انجام شده است...»

[لینک به معرفی چاپ نخست کتاب «نه‌زیستن نه‌مرگ»](#)

